

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین سعیدی-سعید افغانی

۱۱ جولای ۲۰۲۰

## بسم الله الرحمن الرحيم ترجمه و تفسیر سوره الإنسان

۲



«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (۳)

«هرآئینه ما راه را به او نشان دادیم، خواه شکرگزار باشد یا ناسپاس» (۳)

برای رساندن انسان به سعادت و کمالش، علاوه بر مجهز کردن او به ابزار شناخت راه سعادت و کمال را نیز به او نشان داد تا بتواند راه صحیح را از خطا بازشناسد. حال انسان‌ها در مقابل هدایت الهی این اختیار را دارند که تسلیم شده و شکر این نعمت را بجا آورده و به سعادت برسند یا مخالفت کنند و کفران این نعمت کرده دچار شقاوت شوند.

پروردگار مَنان راه حق و باطل، هدایت و ضلالت، خیر و شر را برایش واضح کرد. منافع و مصالح، خوبی‌ها و مضارات را به او معرفی داشت که او به فطرت و عقل خویش آن راطی

نماید، همچنان پیامبران را برای رهنمائی حلال از حرام و رسیدن انسان به معراج سعادت فرستاد، آیات خویش را نازل کرده و ادله را برپا کرد، خواه این انسان است که به اختیار خویش شکرگزار بوده و راه ایمان و عبادت و تقوی را در پیش می‌گیرد، خواستار جنت است و یا ناسپاس که کفر می‌ورزد و خواستار جهنم می‌باشد.

مفسرین می‌نویسند که انسان در مسیر بندگی و شکر از الله تعالی، مرحله ضعیف یا متوسطی را طی می‌کند ولی در راه سرکشی، تمرد و بغاوت مرحله بالائی را می‌پیماید. در شکر، شاکر است (نه شکور)، ولی در کفر، کفور است. «إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» یعنی شکر او معمولی ولی کفر او قوی است. در قرآن عظیم اَلشَّان نمونه‌های زیادی در این مورد داریم:

از آنجمله طوری که میفرماید: « إِنَّهُ لَيُؤَسُّ » انسان بسیار مایوس است. « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ » برآستی که انسان بسیار ظالم است. « كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا » انسان موجودی عجول است. « كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا » انسان، تنگ نظر است. « إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا » انسان بسیار حریص و کم طاقت است. « إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا » هنگامی که شری به او رسد، بسیار جزع و فرع می کند. « إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ » انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است.

« إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا » (۴)

ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتش سوزان آماده ساخته ایم (۴)

«سَلَاسِلَ»: جمع سَلْسِلَة، زنجیرها. در رسم الخط قرآنی الف زانندی در آخر دارد.

«أَغْلَالٌ» «جمع غل، غلها، بندها». (برای معلومات بیشتر به: اعراف / رعد / غافر) مراجعه فرماید.

در این آیت متبرکه که به عاقبت وخیم اشخاصی که کفر ورزیده و از راه هدایت الله انحراف نموده اند اشاره به عمل آمده است. در مورد اشخاص شکرگزار و ناسپاس بحث نموده و به بیان یک واقعیت می پردازد که برای کافران، زنجیرها و غلها آماده کردیم که توسط آنها دستهای آنان در گردن هایشان سخت بسته می گردد و در آتشی که برای شان آماده شده است در حالی که مقید اند می سوزند.

« إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا » (۵)

بیگمان نیکوکاران (در بهشت) از کاسه ای می نوشند که با کافور آمیخته است. (۵)

«ابرار»: اهل طاعت و اخلاص، یعنی از جمله اشخاصی اند که حق الله تعالی را ادا می کنند. در حدیث شریف آمده است: «والیر ما اطمأنت إليه النفس». «بِر چیزی است که روان بدان آرام گیرد». «کأس»: پیاله شراب است «که آمیزه آن کافور است» یعنی: کافور با آن آمیخته می شود تا بوی و طعم شراب کامل و لذت بخشتر گردد.

«مِزَاجٌ»: آمیخته.

«کافوراً»: گیاه خوشبوئی است که عربها آن را به داخل شراب می ریختند تا معطر گردد (مراجعه شود به تفسیر: فی ظلال القرآن). ولی در این آیت متبرکه اسم آبی است در جنت. تشبیه آن به کافور از لحاظ سفیدی و خوشبوئی است. یعنی محتوای آن از آبی به نام کافور است. شراب آن، خوشبو و سفید همچو کافور است.

«عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا » (۶)

از چشمه ای که بندگان خداوند از آن می نوشند آن را به خواست خود جاری می سازند (۶)

«عَيْنًا»: چشمه ای. بدل از (کافوراً) یا مفعول به فعل محذوف (أَعْنَى) یا (أَخْصُ) است. «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا»: بر می جوشانند و به فوران در می آورند.

در آیت مبارکه پروردگار با عظمت می فرماید که جنتیان آن چشمه را به هرجائی از بهشت که بخواهند، روان می کنند و از آن هر گونه که بخواهند، فایده می گیرند. هدف اینست که آن چشمه، تحت امر و تصرف جنتیان قرار دارد. در حدیث شریف آمده است: «در بهشت چهار چشمه وجود دارد؛ دو چشمه آن زیر عرش روانند که خداوند از یکی از آنها چنین یاد کرده است: «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (الإنسان: ۶) و آن دیگر چشمه زنجبیل است. دو چشمه دیگر از فراز عرش فواره زنند که یکی از آنها را خداوند چنین یاد کرده است: چشمه ای است در آن که سلسبیل نامیده می شود و دیگری آن چشمه تسنیم است.

حسن بصری می گوید: «چشمه تسنیم مخصوص مقربان و به عنوان آب شرب ایشان است که از آن برای ابرار آمیزه ای است چنان که از چشمه های زنجبیل و سلسبیل نیز برای ابرار آمیزه ای است».

امام رازی می گوید: «از این آیات که در ذکر عذاب شیوه اختصار و در شرح ثواب شیوه تفصیل بهکار برده شده، این دلالت بر می آید که جانب رحمت غالبتر و قویتر است».

**«يُؤْفُونَ بِالْأَنْدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» (۷)**

(بندگان نیکوکار) به نذر وفا می کنند و از روزی می ترسند که (عذاب و) شر آن فراگیر است. (۷)

«مُسْتَطِيرًا» «فراگیر».

یعنی ابرار، با بصیرت تمام معاد را باور دارند و به تمام جزاهائی که در آن روز دامن بدکاران را می گیرد ایمان دارند، و اثر این ایمان در اعمال شان کاملاً نمایان است.

- زمانی انسان به کمال واقعی دست می یابد که نیکی در انسان نهادینه شود. طوری که می فرماید: «يُؤْفُونَ، يَخَافُونَ، يُطْعَمُونَ و...» ( اگر توجه بفرمائید: تمام کمالات با فعل مضارع که نشانه استمرار فعل است، آمده است.) از جانب دیگر؛ اطعام و انفاق زمانی دارای ارزش بیشتر می باشد، که شیء انفاق شده، مورد ضرورت و علاقه انسان باشد. زیرا مفهوم در آیت متبرکه همین است؛ تعدادی از انسانها طعام را دوست دارند و گروهی اطعام را: «يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» و از طرف دیگر اطعام، زمانی ارزش بیشتری دارد که از خود و با دست خود باشد «نُطْعِمُكُمْ» و نباید فراموش کرد که کمک زمانی دارای ارزش واقعی خویش است که به دور از هر منت و انتظاری باشد. «نُطْعِمُكُمْ لَوْجِهَ اللَّهِ»

و در نهایت آنچه به عمل ارزش می دهد، انگیزه خالصانه و اخلاص در عمل است. «نُطْعِمُكُمْ لَوْجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا».

### یادداشت کوتاه:

طعام مصدر باب افعال و از ریشه «طعم» به معنای طعام دادن است. در مورد این که هدف از طعام چیست لغویان به یک نظر نیستند: برخی گفته اند: هر چیزی است که چیده و جمع آوری شود، اعم از حبوبات و میوه ها و برخی طعام را مخصوص خرما و برخی دیگر فقط گندم می دانند. ولی به نظر می رسد همه این موارد مصداق طعام باشد و همانگونه که ابن منذر و راغب می فرمایند: طعام عبارت است از هر چیزی که خوردنی باشد. بنابراین، اطعام یعنی خوراندن و طعام دادن از آنچه که ذکر شد. همچنان این بندگان صالح و نیکوکار «به نذر وفا می کنند» یعنی: آن ها چون برای خدای سبحان نذر کنند، به نذر خود وفا می کنند.

### نذر چیست:

نذر در لغت به معنای الزام کردن آمده است، و هدف از آن این که انسان چیزی را بر خود لازم می گرداند: «نذر علی نفسه لله كذا، يَنْذِرُ، يَنْذُرُ، نَذراً ونذوراً» (ابن منظور، لسان العرب (ج ۵ ص ۲۰۰)). امام شافعی در کتاب «جرح عمد»، آن مال را که در جراحات از دیه واجب می باشد نذر نامیده و گفته که لغت اهل حجاز همین است و اهل عراق در مقابل، به آن ارش می گویند: (ابن اثیر، النهاية (ج ۵۳۹) / حافظ عراقی، طرح التثريب (ج ۶ ص ۵۷) / زمخشری، أساس البلاغة (ج ۲ ص ۴۲۲)).

### معنای اصطلاحی نذر:

نذر در شریعت اسلام به این معنا می باشد که شخص بر خود عبادتی را که شرع بر او لازم نکرده، واجب گرداند. (ابن اثیر، النهایة (جلد ۵ صفحه ۳۹)

### **نذر در ادیان:**

نذر یکی از عبادت‌های قدیمی که در امت‌ها و ادیان گذشته هم به حیث یک عبادت محسوب می شد و در نزد آنان وفای به آن لازم و واجب بوده است و کسانی که به نذرش عمل نمی کرد، نکوهش و ذم می شدند و نوعی از مخالفت از دساتیر دینی و شرعیت شان به حساب می رفت .

### **نذر در اعراب جاهلیت:**

مؤرخین می نویسند که در زمان جاهلیت و قبل از اسلام هم، مشرکان و بت پرستان مکه برای خداوند و بت‌ها نذر می کردند و خداوند هم از اهل جاهلیت نقل می کند که آن‌ها برای تقرب به خداوند برای بت‌ها نذر می کردند و آن‌ها را نزد خداوند شفیع قرار می دادند تا به حاجات و ضروریات شان رسیدگی شود. (سید سابق، فقه السنه (جلد ۳ صفحه ۳۴). حضرت عمر (رض) می فرماید: من در جاهلیت نذر کردم که شبی را در مسجد الحرام اعتکاف کنم و بعد از مسلمان شدنم از پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد سؤال کردم و ایشان فرمودند که «به نذرت وفا کن».

### **نذر در اسلام:**

اما موضوع نذر در شرع اسلامی مشخص و معلوم است و کتاب و سنت و اجماع بر مشروعیتش دلالت دارد. و تعدادی از علماء از جمله امام نووی، امام ابن قدامه، امام سرخسی، امام ابن رشد، امام شوکانی، امام بهوتی، امام ابن مفلح، امام مرداوی، امام رویانی (رحمهم الله)، مذهب امامیه و ابن المرتضی صاحب بحر الزخار بر مشروعیت نذر، نقل اجماع کرده اند. (ابن قدامه، الشرح الکبیر (جلد ۱۱ صفحه ۳۳۱).

### **نذر واجب نیست:**

هیچ یک از فقهاء از جمله فقهای مذاهب اربعه حکم بر واجب بودن نذر را ننموده اند، و حتی از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت نگردیده که نذر کرده باشند، بناءً گفته می توانیم که نذربه صورت قطع واجب نمی باشد. (ابن قدامه، المغنی (ج ۱۱ ص ۳۳۲).

### **مستحب بودن نذر:**

تعدادی از علمای مذهب امام شافعی از جمله: قاضی حسین، متولی، ظاهر قول رافعی و امام غزالی (رحمهم الله) نذر کردن را عمل خیر و قربتی دانسته و می فرمایند که نذر مندوب می باشد و لذا از کافر قبول نمی گردد. (شریبینی، المغنی المحتاج (ج ۴ ص ۴۱۰) شوکانی، نیل الأوطار (صفحه ۱۶۳۲) / ابن حجر، فتح الباری (جلد ۱۱ صفحه ۵۷۸). شیخ امام قرطبی آن را در مجازات مکروه و در تیرر مندوب می داند و می گوید اگر فرد اعتقاد به تأثیر ذاتی نذر کند و آن را مؤثر بداند، نذر کردن برای اینگونه افراد حرام می باشد. (شوکانی، نیل الأوطار (ص ۱۶۳۲) ابن حجر، فتح الباری (ج ۱۱ ص ۵۷۸).

امام ابوحنفیه رحمة الله علیه می فرماید: نذر صحیحی به شرایط خود دارا باشد، قربت مشروع و مندوب می باشد و دلیل قربت بودن آن، به دلیل انجام اعمال خیری است که نذر کرده می شود و دلیل مشروع بودن آن به خاطر اوامری که از طرف شارع به ایفاء کردن به آن آمده است. (الجزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة (جلد ۲ صفحه ۱۱۷) .

### دلایل استحباب نذر:

علمانی که بر استحباب بودن نذر قائل اند بر دلایل ذیل استنباط می نمایند:

اول این که الله تعالی ایفاء کنندگان نذر را مدح نموده اند: طوری که می فرماید: «وَلْيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ» (سوره الحج: ۲۹). «و به نذرهای خویش (اگر نذر کرده اند) وفا کنند» . و یا می فرماید: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا» (سوره البقرة: ۲۷۰). «و هر چیزی را که انفاق کنید یا هر نذری که ببندید، قطعاً خداوند آن را می داند» .

در این آیت، خداوند متعال می فرماید که به نذر کنندگان و بخشندگان پاداش داده می شود و عمل آن ها فراموش نمی شود؛ لذا نذر کردن قربت است که پاداش دارد. (شربینی، مغنی المحتاج (ج ۴ ص ۴۱۰) ابن حجر، تحفة المحتاج (ج ۱۰ ص ۴۷).

### مباح بودن نذر:

امام مالک بدین نظر است که نذر کردن مباح است به شرط این که تکرار نشود؛ چرا که در غیر این صورت انجام آن برایش مشکل می گردد. (قاضی مغربی، البدر التمام (ج ۵ ص ۱۰۶) / شوکانی، نیل الأوطار (صفحه ۱۶۳۲). ابن رشد / مالکی هم نذر کردن را مباح می دانند. (حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير (جلد ۲ ص ۱۶۲)

هکذا ابن حامد حنبلی نذر را مباح می دانند. (الموسوعة الكويتية (جلد ۴۰ صفحه ۱۳۹) عدهای از فقهای حنفی هم گفته اند که نذر کردن در طاعت مباح می باشد؛ چه مطلق باشد و یا معلق. (زحیلی، الفقه الإسلامي وأدلته (جلد ۴ صفحه ۱۱۶).

اما دلیل این ها برای اباحه نذر این است که می گویند چون ما احادیث امر و نهی داریم و هیچ دلیلی هم برای ترجیح بین آن ها نداریم، لذا حمل آن ها به اباحه اولی می باشد تا امر و نهی پیامبر صلی الله علیه وسلم هر دو اعمال گردد.

### نذکردن مکروه است:

امام شافعی: می فرماید که اصلاً نذر کردن مکروه می باشد. (شربینی، مغنی المحتاج (جلد ۴ صفحه ۴۰۹) و ابن حجر، فتح الباری (جلد ۱۱ ص ۵۷۸).

و امام نووی در مجموع این قول را ترجیح داده است. (نووی، المجموعه (ج ۸ ص ۴۵۰). و این قول اکثر فقهای شافعی هم می باشد. (شوکانی، نیل الأوطار (ص ۱۶۳۲)

مذهب ظاهریه: نذر کردن را مکروه می دانند.

و امام ابن حزم می فرماید: اگر شخصی نذری کرد و نذرش در عمل معصیت نبود، حتماً باید به آن وفا کند. ابن حزم، المحلی (جلد ۸ صفحه ۲).

مذهب مالکیه هم بر این عقیده است که نذر مطلق مندوب است، به شرطی که تکرار نشود، اما اگر تکرار شود مکروه می دانند؛ مثلاً شخصی بگوید: من برای الله نذر می کنم که روزه هر پنجشنبه را بگیرم، اما این نذر به علت سنگینی و مشقتی که دارد به عدم طاعت بودن بیشتر نزدیک است تا به طاعت بودن و ممکن است که شخص در وفای به آن کوتاهی کند و

نتواند آن را انجام دهد. (شوکانی، نیل الأوطار (ص ۱۶۳۲))

### حرام بودن نذر کردن:

در روایتی از مذهب حنابله آمده که نذر کردن مکروه تحریمی می باشد و عده‌ای از اهل حدیث هم آن را حرام می دانند. (ابن حجر، فتح الباری (ج ۱۱ ص ۵۷۸)).

امام ابن تیمیه در مورد حرام بودن آن توقف کرده است و گوئی که بیشتر به تحریم مایلند.

ابن عثیمین، الشرح الممتع (جلد ۱۵ صفحه ۲۰۷) / بهوتی / و ابن عثیمین / هم این قول را قوی می دانند.

امام صنعانی در سبل السلام، قول به تحریم بودن نذر را قوی می داند و می گوید که این قول قویتر است. (صنعانی، سبل السلام (جلد ۴ صفحه ۳۶۴)).

امام قرطبی آن را در مجازات مکروه و در تبرر مندوب می داند، اما می گوید اگر فرد اعتقاد به تأثیر ذاتی نذر کند و آن را مؤثر بداند، نذر کردن را برای اینگونه افراد حرام می باشد. (شوکانی، نیل الأوطار (صفحه ۱۶۳۲)) و ابن حجر، فتح الباری (جلد ۱۱ صفحه ۵۷۸).

### دلایل حرام بودن نذر:

در حدیثی که امام مسلم روایت می کند آمده است که: «وَحَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ يَعْنِي الدَّرَاوَرْدِيَّ، عَنِ الْعَلَاءِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تُنْذِرُوا، فَإِنَّ النَّذْرَ لَا يُغْنِي مِنَ الْقَدْرِ شَيْئًا، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَحْلِ». مسلم (ش: ۴۳۲۹) / ابوداود (ش: ۳۲۸۹) / نسایی (ش: ۳۸۰۵).

«نذر نکنید، چرا که نذر هیچ چیز از قدر خداوند را عوض نمی کند و فقط مال است که از دست انسان بخیل خارج می شود (یعنی اینگونه افراد به خاطر بخل به کسی چیزی نمی بخشند و فقط هنگام نذر کردن مال می دهند)».

و همچنین آمده است که: «وَحَدَّثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُرَّةَ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: نَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ النَّذْرِ، وَقَالَ: إِنَّهُ لَا يَرُدُّ شَيْئًا، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَحْلِ» (بخاری (ش: ۶۶۰۸) / مسلم (ش: ۴۳۲۷-۴۳۳۰) / ابوداود (ش: ۳۲۸۹) / نسایی (ش: ۳۸۰۱) / ابن ماجه (۲۱۲۲)).

«پیامبر صلی الله علیه وسلم از نذر کردن نهی فرمودند و فرمودند که چیزی از قضای خداوند را تغییر نمی دهد و از انسان بخیل مال را بیرون می کشد که در حالت عادی آن مال را نمی داد».

و در این احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم از نذر کردن نهی کرده اند و اصل در منهیات رسول الله بر تحریم می باشد، مگر قرینه‌ای باشد و لذا ما هم در اینجا آن را بر حرمت حمل می کنیم، هرچند که وفا کردن به آن واجب می باشد، چون ملازمه‌ای بین این دو نمی باشد. (تشریح و مثال مشخص داده شود) (صنعانی، سبل السلام (جلد ۴ صفحه ۳۶۴)).

### آیا نذر کردن دربرآوردن حاجات مفید است؟

«وَحَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ يَعْنِي الدَّرَاوَرْدِيَّ، عَنِ الْعَلَاءِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تُنْذِرُوا، فَإِنَّ النَّذْرَ لَا يُغْنِي مِنَ الْقَدْرِ شَيْئًا، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَحْلِ». مسلم (ش: ۴۳۲۹) / ابوداود (۳۲۸۹) / نسایی (ش: ۳۸۰۵). «نذر نکنید چرا که نذر هیچ چیز از قدر خداوند را عوض نمی کند، و فقط مال است که از دست انسان بخیل خارج می شود (یعنی اینگونه افراد به خاطر بخل به کسی چیزی نمی بخشند و فقط هنگام نذر کردن

مال می دهند)». و با نذر کردن انسان فقط مال خود را ضایع می کند و اضاعه مال هم حرام می باشد، و لذا نذر کردن هم حرام می شود (صنعانی، سبیل السلام (ج ۴ ص ۳۶۴).

علامه ابن عثیمین / می گوید: چون که خود رسول الله صلی الله علیه وسلم از نذر کردن نهی فرموده و می فرماید: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا عُذْرٌ، عَنْ شُعْبَةَ، ح وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، وَابْنُ بَشَّارٍ، وَاللَّفْظُ لِابْنِ الْمُثَنَّى، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُرَّةَ، عَنِ ابْنِ عُمرَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَهَى عَنِ النَّذْرِ، وَقَالَ: «إِنَّهُ لَا يَأْتِي بِخَيْرٍ، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَخِيلِ». (مسلم (ش: ۴۳۲۷) / نسایی (ش: ۳۸۰۱)).

«ابن عمر (رض) می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم از انجام نذر نهی کردند و فرمودند: نذر موجب (تغییر قدر و) ایجاد خیر نمی شود و فقط از دست انسان بخیل مال را بیرون می آورد».

و طوری که در حدیث فوق خواندیم که «لَا تَنْذِرُوا، فَإِنَّ النَّذْرَ لَا يُغْنِي مِنَ الْقَدَرِ شَيْئًا، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَخِيلِ» (مسلم (ش: ۴۳۲۹) / ابوداود (ش: ۳۲۸۹) / نسایی (ش: ۳۸۰۵). «نذر نکنید، چرا که نذر هیچ چیز از قدر خداوند را عوض نمی کند و فقط مال است که از دست انسان بخیل خارج می شود (یعنی اینگونه افراد به خاطر بخل به کسی چیزی نمی بخشند و فقط هنگام نذر کردن مال می دهند)».

و اگر خدا بخواهد کاری را انجام دهد انجام می دهد و اگر بخواهد کاری را انجام ندهد انجام نمی دهد و از طرفی خود رسول الله صلی الله علیه وسلم از نذر نهی کرده و بیان فرموده که در نذر هیچ فایده شرعی وجود ندارد، فایده شرعی ندارد، چون خیری ندارد و فایده قدری ندارد، چون قدری را عوض نمی کند؛ پس قول به حرام بودن قویتر است. (ابن عثیمین، شرح الممتع (جلد ۱۵ صفحه ۲۰۷).

### یادداشت توضیحی:

شیخ ابن عثیمین می فرماید: اگر کسی اعتراض کند و بگوید چگونه خداوند متعال وفا کنندگان به نذر را مدح و ستایش نموده است، در حالی که آن‌ها با نذر کردن به کار حرامی مرتکب شده‌اند؟

جواب همین است که خداوند متعال بر نذرکنندگان مدح نکرده است و بلکه وفا کنندگان به نذرهایشان را مدح نموده است و بین این دو تفاوت است، پس این قول الله تعالی که میفرماید: «يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ» (آیه ۷ سوره انسان) «(و صالحان) به نذرهای خود وفا می کنند» معنایش این است که اگر برای خداوند چیزی نذر کنند، صبر نمی کنند و به سرعت به ادای نذر خود می پردازند، و قول دیگری هم در مورد این آیت می باشد که اصلاً منظور از نذر در این آیات و احادیثی که نذردهندگان در آن مدح شده‌اند «ادای واجبات» می باشد، طوری که می فرماید: «تُمْ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ» (سوره الحج: آیه ۲۹) «سپس، باید آلودگی‌های شان را بر طرف سازند، و به نذرهای خود وفا کنند».

با این که آن‌ها نذری نکرده بودند، اما می فرماید که باید به نذرهایشان وفا کنند (ابن عثیمین، شرح الممتع (جلد ۱۵ صفحه ۲۰۸).

و امام صنعانی / می گوید: نذر کردن در طاعات مانند نماز و روزه و حج، خارج از نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد. (صنعانی، سبیل السلام (ج ۴ ص ۳۶۴-۳۶۵).

امام طبری / از قتاده / در مورد تفسیر آیت «يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ» (الإنسان: ۷). روایت کرده است که: «حَدَّثَنَا بِشْرٌ، قَالَ: ثنا يَزِيدٌ، قَالَ: ثنا سَعِيدٌ، عَنْ قَتَادَةَ، قَوْلُهُ: (يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ) قَالَ: كَانُوا يُنْذِرُونَ طَاعَةَ اللَّهِ مِنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ، فَسَمَاهُمْ اللَّهُ بِالَّذِينَ الْأَبْرَارَ يَسْرَبُونَ مِنْ كَأْسِ كَانِ مِرَاجِهَا كَافُورًا ... يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانِ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» [الإنسان: ۵-۷]. (طبری، جامع البيان (ج ۲۴ ص ۹۵).

ترجمه: قتاده / در مورد تفسیر «يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ» می‌گوید: آنان در نماز و روزه و سایر فرائض خداوند نذر می‌کردند و لذا خداوند آنان را ابرار نامیده است و سندش تا قتاده صحیح می‌باشد. (طبری، جامع البیان (جلد ۲۴ صفحه ۹۵)).  
امام قرطبی می‌گوید: به نظر من نذر کردن کسی که بر این عقیده است که نذر می‌تواند برای او تأثیر گذار باشد و قدر الهی را تغییر دهد، حرام است. اما کسی که این اعتقاد را نداشته نذر کردن مکروه می‌باشد. (شوکانی، نیل الأوطار (ص ۱۶۳۲)).